

میدون و سوفیا

همه مردها گرکند جز بابای سوفیا



پوریا عالمی

● بابای سوفیا خیلی باحال و خفن است و هر کاری از دستش برپایید می‌کند که سوفیا احساس امنیت کند و آب توی دلش تکان نخورد؛ مثلا سوفیا اجازه ندارد تنها از خانه بیرون برود، چون در خیابان مردها گرکند. بابای سوفیا مرد است، اما گرگ نیست. سوفیا اجازه ندارد درس بخواند، چون نهایتا باید ازدواج کند و چه کاری است که وقتش را در دانشگاه هدر کند. سوفیا اجازه ندارد شغل پیدا کند، چون شغل پیدا نمی‌کارد در کشور است و اول باید مردها شغل بدهند تا سوفیا توانمندتر هستند و زورشان بیشتر است. هرچند خیلی از شغل‌ها ربطی به زور بازو ندارند. سوفیا اجازه ندارد توی جمع با صدای بلند بخندد، چون مردم چی می‌گویند؟ سوفیا اجازه ندارد در کل بخندد، چون خندیدن جلف است و آدم را سبک می‌کند. سوفیا اجازه ندارد وقتی میهمان می‌آید از مطبخ و آشپزخانه بیرون بیاید، چون ممکن است غذا ته بگیرد و کانون گرم خانواده سرد شود. سوفیا اجازه ندارد از کامپیوتر و اینترنت استفاده کند، چون تسوی اینترنت واقعا چی هست که بابای سوفیا نداند؟ سوفیا اجازه ندارد از تلفن استفاده کند، مگر وقتی بابای سوفیا کنار سوفیا نشسته باشد، چون بابای سوفیا معتقد است مزاحم تلفنی را در دم تشخیص می‌دهد. سوفیا اجازه ندارد موبایل شخصی داشته باشد، چون موبایل برای قلب سوفیا ضرر دارد. بابای سوفیا قلب ندارد، اما موبایل برای او ضرر ندارد. سوفیا اجازه ندارد لباس دلخواهش را بپوشد، چون لباس دلخواه بابای سوفیا مناسب‌تر است. سوفیا اجازه ندارد وبلاگ داشته باشد یا در اینستاگرام و فیس‌بوک عضو شود، چون بابای سوفیا معتقد است بهترین عضویت برای آدم، عضویت در خانواده است. البته بابای سوفیا در فیس‌بوک و اینستاگرام هست تا رصد کند که جامعه‌چطور دارد به قهقرا می‌رود. سوفیا اجازه ندارد شب بیرون از خانه بماند، چون روز هم اجازه ندارد و نباید بین شب و روز تعییش قائل شد. سوفیا اجازه ندارد پولش را هرطوری که دوست دارد خرج کند، چون پول ندارد. سوفیا اجازه ندارد پول دربیاورد، چون همین مانده سوفیا پول دربیاورد و بابای سوفیا نان‌خور دخترش بشود. به حق چیزهای نشنیده. سوفیا اجازه ندارد کل بگوید یا کل بشنود، چون کل همین پنج روز و شش باشد. سوفیا اجازه ندارد قند توی دلش آب بشود، چون قند برای بدن ضرر دارد. سوفیا اجازه ندارد ذوق کند، چون ذوق‌کردن سوفیا، ذوق آدم را کور و ذوق دیگران را بینا می‌کند. سوفیا اجازه ندارد بیستنی یخی بخورد، چون بیستنی ضدافسردگی است. سوفیا اجازه ندارد به ورزشگاه برود یا حتی داخل خانه از تلویزیون فوتبال تماشا کند. بابای سوفیا می‌گوید سوفیا



به شرطی می‌تواند از تلویزیون فوتبال تماشا کند که تلویزیون فوتبال زنان را بخش کند. سوفیا اجازه ندارد دوچرخه یا موتور سوار شود، چون اگر زنان دوچرخه و موتور سوار بشوند، مردان سوار چی بشوند؟ سوفیا اجازه ندارد در مدیریت خانه اظهارنظر کند، چون مدیریت خانه پذیرای نقدهای سازنده است و وقت شنیدن حرف‌های دیگر را ندارد. سوفیا اجازه ندارد هیچ چیزی دخالت کند، چون چیزی در دنیا وجود ندارد که ارزش آن را داشته باشد که یکی مثل سوفیا برای آن وقت بگذارد. سوفیا اجازه ندارد ناشکری کند، چون از این بدتر هم می‌توانست باشد. سوفیا اجازه ندارد درباره محل زندگی، شیوه زندگی، دایره اجتماعی و کلا درباره زندگی اظهارنظر کند، چون سوفیا خود زندگی است.

بابای سوفیا خیلی مرد خوبی است و صلاح سوفیا را می‌خواهد. سوفیا هم خیلی خوشحال است و همان‌طور که شاعر گفته بود: «کلاغ از شادی در پوست خود نمی‌کنشک». سوفیا هم از شادی در پوست خود نمی‌گنجد و هر لحظه آرزو می‌کند از زندان نر رها شود و بتواند آزادانه پرواز کند. زنده باد بابای سوفیا.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۳ تیر ۱۳۹۷ • ۱۰ شوال ۱۴۳۹ • ۲۴ ژوئن ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۷۷ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۳ • طلوع آفتاب ۵:۵۰

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



معاون امور اقتصادی و بازرگانی وزارت صنعت در واکنش به گرانی: "رسانه‌ها چرت و پرت نگویند!"



قصه‌های شهر

ویوی ابدی!



گیتی صفرزاده

باشد، همگی این پول را به‌عنوان ذخیره روز مبادا و سرمایه‌گذاری برای آینده می‌گذارند، از همان دست نگرانی‌هایی که در کشور ما از روز اولی که بچه در قنداق است به صورت آنلاین تزییق می‌شود و همه دارند می‌دوند تا در آینده‌ای که معلوم نیست چیست، رفاهشان تأمین باشد)، اما لیخند عمیقم نثار آن است که خانه‌اش را در سه آگهی مختلف با سه قیمت متفاوت گذاشته بود، با این حساب که ببیند کدامش دچار خوش‌شانسی می‌شود و مبلغ بیشتری نصیبش می‌کند.

لیخند عمیق‌ترم برای آن برادر بنگاهی است که در مقابل مبلغ پیشنهادی رهن من (که تا دو ماه پیش مبلغ بسیار مناسبی بود و با احترام در مقابلم بلند می‌شدند) سری به تاسف تکان داد و گفت امکان ندارد پیدا شود. گفتیم خب، حالا امکانات منزل را کمتر در نظر بگیرید، مثلا آسانسور برای ما گزینه مهمی نیست. فرمودند: آها، تا طبقه پنجم را بدون آسانسور پیاده می‌روید؟ جواب دادم تا طبقه چهارم را امتحان کرده‌ایم و نفسمان کشیده، بیشترش را نمی‌دانم. راستش بعید ندانستم که بگوید یکی هست که طبقه بیست‌وپنجم برجش را رهن می‌دهد و اگر قول بدهید که از آسانسور استفاده نمی‌کنید، می‌توانم برایتان تخفیف بگیرم!.

یاد آن آگهی اقدام که جزء مشخصات منزل نوشته بود داشتن ویوی ابدی، امیدوارم ویوی ابدی وضع روانی جامعه این نباشد.



روایت

حال همه‌ما

و سوریه و... ما را به سرشت انسان بدگمان می‌کند و کلام آدورنو را به خاطرم می‌آورد: «روشنگران کوشیدند انسان را توانا کنند بر ترس خود غلبه کند و از این راه به سروری و آقایی بر جهان برسد؛ اما دنیای روشن‌شده کاملا در تیرگی بدبختی فرورفته است»^۱. چنین وضعیت برزخ‌گونه‌ای است که تن و روان ما را می‌آزارد و منشأ اضطراب و افسردگی آشکار و پنهان ماست. ذهن ما خسته است؛ خسته از انبوه خبرهای تلخ و گاه شیرین، اما ارگانیسم ما و رانه زندگی آنچنان قدرتمند است که از همین خبرهای کوچک و موقفیت‌های نسبی جلوه‌هایی از شادی‌های اجتماعی را به نمایش می‌گذارد که امید را در دل‌های ما زنده نگه دارد. بهانه‌های کوچکی که ما را به گفتن اینکه: «حال همه ما خوب است» وامی‌دارد، هرچند که در پس آن به نجوا می‌گوییم: «اما تو باور نکن...»^۲.

پی‌نوشت‌ها:

- تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر، ۱۹۴۷. «ظلمت خُرَد» (Eclipse of Reason)
- برگرفته از شعری از سیدعلی صالحی.

آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگو با عباس عبدی، پژوهشگر

رفتار فوتبالی ما تحول جدیدی را نشان می‌دهد

کیسو ففغوری



می‌شوند که این کار جواب نمی‌دهد و خیلی زود باید کوتاه بیایند. فقط مانند آن ضرب‌المثل معروف «چوبش را می‌خورند، اما ناتش را نمی‌خورند»، اگر از اول از مردم دعوت می‌کردند که در ورزشگاه به صورت خانوادگی حضور داشته باشند، مردم استقبال می‌کردند و آن را نشانه همراهی مسئولان می‌دانستند. تکرار این رفتارها همان واقعیتی است که همواره در سیاست‌های ایران شاهد هستیم.

● نماینده‌های مجلس و از طرف دیگر رئیس‌جمهور به‌عنوان همراه مردم چه نقشی در ادامه شادی و حس خوب ایران دوستی می‌تواند ایفا کنند؟ آیا فقط بیان خواسته مردم کمکی می‌تواند بکند یا باید نقش بیشتری داشته باشند؟

والله اگر نماینده‌های مجلس و رئیس‌جمهور دخالتی در کار مردم نکنند و فقط به کار خودشان بپردازند، مردم کار را به‌درستی پیش می‌برند. خیلی نیاز نیست که حکومت بخواهد در هر امری دخالت کند بهتر است دنبال وظایف اصلی خودشان بروند.

● آیا نهادهای تصمیم‌گیر در دولت با قوه‌های دیگر می‌توانند از این فضای ایران دوستی‌که به خاطر فوتبال ایجاد شده سود ببرند؟

اگر در همه موارد چنین کنیم، به معنای آن خواهد بود که فاصله‌ای میان ارزش‌های دولت و ملت نیست و آن چیزی که مردم خوششان می‌آید تأمین آن نیز خواست حکومت است و هرچه سبب رضایت آنهاست دولت باید آن را تأمین کند، در واقع رضایت این‌طور مواقع زمینه مناسبی است تا به هر حکومتی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌هایش در جهت کاهش فاصله با مردم کمک کند. هرچند گاهی مواقع با آنها مخالف باشند، باید خواست مردم را در چارچوب قانون و نظم اجتماعی دنبال کرد. باید حکومت‌ها اجازه دهند که مردم خواسته‌های خود را دنبال کنند؛ چه با آن موافق باشند چه مخالف. در این صورت چنین رفتاری به نفع دولت است و نتایج بهتری برای دولت و جامعه خواهد داشت.

پیشنهاد



او، پخش کلیپ‌هایی از مستند «شبه» همراه با نمایشگاهی از نقاشی‌های تصویر نویسنده برگزار می‌شود. در این برنامه محمود دولت‌آبادی، محمدرضا اصلانی، شهرزاد اسدی، هوشنگ چالنگی، هرمز علی‌پور، غلامرضا رضایی، عبدالعلی عظیمی، نگار اسکندرفر، حسین رحیمی، اردشیر رستمی، علیرضا اسدی، شهریار وقفی‌پور، مهین خدیوی، علیرضا زرگر، مدیر مهرگان و... از جمله حاضران هستند.



محمدعلی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

زیستن در روزگاری که مدرنش می‌نامند، سختی‌ها و تلخی‌های خود را دارد و لاجرم پیامدهای روانی و جسمانی‌اش را؛ روزگاری که از بامدادش که چشم باز می‌کنیم خبرها هجوم می‌آورند و شب‌هنگام که سر بر بالین می‌گذاریم، خبرهایی دیگر چشم‌ها را از خواب‌رفتن بازمی‌دارند و ای‌سا آن را با کابوس برهم می‌ریزند.

آرزوی دیرینه بشر برای فهمیدن آنچه در جهان می‌گذرد جامه عمل پوشیده است. انکار انسان می‌خواست با اطلاع از آخرین خبرها به سطحی از آگاهی برسد که جهان را تغییر دهد و به مسیر دلخواهش پیش ببرد، اما مژده ارشمیدس‌وار می‌کند که مخترعان تلویزیون، ماهواره و اینترنت پس از موقفیت‌های بی‌درپی خود می‌دادند و بنگاه‌های

مردم در دو بازی فوتبال ایران پشت و همراه تیم ملی بوده‌اند. آنان هر دو بار به خیابان آمده‌اند و بازیکنان تیم ملی را تشویق کرده‌اند و از موقفیت آنان شاد و خرسند شده‌اند. به سراغ عباس عبدی، تحلیلگر، رفته‌ایم تا بدانیم درباره این شادی جمعی چه نظری دارد و آیا این شادی می‌تواند ماندگار شود؟

● شما چه تحلیلی درباره شادی بعد از بازی فوتبال ایران و اسپانیا دارید؟ چطور می‌شود باخت اما شادی کرد؟

این قضیه را نباید محدود به ابراز شادی کرد، برای مثال مگر مردم مکزیک شادی کم دارند که در مسابقات شادی می‌کنند؟ شاید حتی از مردم ما هم بیشتر شادی کردند. آفریقایی‌ها از صبح تا شب شادند بازم وقتی که تیمشان برنده می‌شود، واکنش نشان می‌دهند. گرچه درباره ایران ابراز این حس شادی مهم است. ولی ابراز شادی بعد از باخت به نسبت انتظارات از تیم ملی مربوط است. وقتی کسی از خودش حدی از انتظار دارد ولی بیش از آن را به دست می‌آورد، به همان نسبت احساسات مثبت نشان می‌دهد. انتظارات خیلی ما از وضعیت، تعیین‌کننده نوع احساسات و واکنش‌های ماست و درباره اسپانیا بالاتر از انتظار بودیم. از نظر من، برد و باخت در این مسابقات برای مردم ما در درجه اول اهمیت قرار ندارد، گرچه بردن مهم است، اما نفس چنین حضوری را مهم‌تر می‌دانند. رفتار فوتبالی ما نوعی تحول فرهنگی را نشان می‌دهد. خیلی از افراد از این طریق می‌خواهند ابراز وجود کنند وگرنه چطور می‌شود که عده‌ای به روسیه می‌روند و در آنجا رقص محلی انجام می‌دهند؟ مسئله فقط فوتبال نیست، تحولی اجتماعی و فرهنگی است که فوتبال مستمسک مناسبی برای بروز آن است.

● آیا مردم ما به شادی نیاز دارند و از هر فرصتی برای شادی‌کردن استفاده می‌کنند، یعنی مهم نیست بیازند یا برنده شوند، برای فرار از مشکلات فراوان به بهانه لازم دارند؟

اینکه مردم ایران به امکان شادبودن نیاز دارند، تردیدی نیست. اما ما بیشتر از آنکه نیازمند به شادی باشیم، نیازمند امکان بروز رفتارهای جمعی هستیم. هرکسی می‌تواند در خانه بنشیند و با خانواده و دوستانش شاد باشد و هر برنامه شادی را انجام دهد، اما ما نیاز داریم با دیگران در یک برنامه شادی جمعی شرکت کنیم. نه‌فقط شادی، عزا هم همین‌طور. دوست دارند در یک برنامه عزای دسته‌جمعی شرکت کنند، نه به این دلیل که بیمار هستند، بلکه به این خاطر که روح جمعی را بازتاب بدهند. باید بیشتر به مسئله رفتارهای جمعی به‌ویژه شادی‌های جمعی توجه کرد.

● این شادی‌های بعد از دو بازی همراه با

زیستن با نوشتن

مراسم بزرگداشت زنده‌یاد کورش اسدی، داستان‌نویس، ساعت ۱۷ امروز (سوم تیر) در تالار فردوسی، سالن اندیشمندان علوم انسانی با حضور خانواده او و جمعی از اهل قلم برگزار می‌شود. «زیستن با نوشتن» عنوان این برنامه است که از نام داستانی منتشرنشده از کورش اسدی گرفته شده است. برنامه بزرگداشت یکمین سالگرد این نویسنده با خوانش شعری منتشرنشده از

ورزش یکی از مهمترین عوامل پیشگیری از اعتیاد در جوانان است

بنجم تیرماه مصادف با ۲۶ ژوئن سالروز جهانی مبارزه با موادمخدر گرامی باد



ستاد مبارزه با موادمخدر